

# در دوره هنر ایلامی، باغ دارای یک ترکیب هندسی سرراست است، که با ظهور دین اسلام، از نوعی انعطاف و ظرافت برخوردار می‌شود و در عین حال هماهنگی معماری و باغ‌سازی گذشته را نیز با خود به همراه دارد

معماری ایلامی است که باغ از یک ترکیب هندسی سرراست، باغ راه‌های عمود بر هم و کرت‌های چهارگوش برخوردار می‌شود که با ظهور دین اسلام طرح‌ها و اشکال از نوعی انعطاف و ظرافت برخوردار می‌شوند و در عین حال توازن معماری و باغ‌سازی گذشته را همچنان با خود به همراه دارند.

در ارتباط با نظم هندسی باغ ایرانی در دوره هخامنشی روایت است که کوروش نخستین فردی است که بر ردیف منظم درختکاری تاکید می‌کند. نقش درختان بر پلکان تخت‌جمشید و نشانه‌های آبیاری در قسمت‌هایی از تخت‌جمشید بر اهمیت باغ نزد ایرانیان حکایت دارد. خشایارشا در کتیبه‌اش به این نکته اشاره می‌کند که آبادانی‌هایی که در زمان پدرش صورت گرفته، همه به دست او انجام شده است، آبادانی‌هایی که پس از حمله‌ی اسکندر از بین رفته‌اند. حتی روایت شده که باغ چهل ستون اصفهان روی باغی هخامنشی بنا شده است. اما باغ، حضور عنصری اساسی را می‌طلبد چون آب.

از اردشیر دوم حکایت شده که ایزدان مهر و آناهیتا همواره پشتیبان او بوده‌اند و در دوره ساسانیان است که آناهیتا گستره‌ی فزون‌تری می‌یابد و نیایشگاه ناهید در استخر بنا می‌گردد. نیایشگاهی که گرمی‌داشت فرشته‌ی آب «آناهیتا» که ایرانیان اهمیت زیادی برای آن قائل بودند. این نیایشگاه به راستی نمایی بود از ذوق و هنر ایرانی در به کار گرفتن آب. «نیایشگاه آناهیتا نمایی از هنر ایرانیان در بازی گرفتن آب بوده است. همه بخش‌های این بنا از آبیگری که در رودخانه شاپور ساخته شده بود، از قناتی که آب رودخانه را به درون نیایشگاه می‌برد، از سنگ‌های بخش‌کننده آب گرفته تا جوی‌ها و حوض و چاه، همه پیکره‌های یک سازمان آبی پیچیده بود. آب در شکوفایی تمدن ایران باستان که پای خود را در همه زمین‌ها پیش برده است.»<sup>۲</sup>

ایرانیان به درختان و پرستش آنها اهمیت فراوانی می‌داده‌اند. رسمی که از معابد میترا و مهراب پارسیان گرفته شده بود و بعدها به سایر نقاط گسترش



هخامنشی در گذشته است. در لوح‌های دیوانی عیلامی در تخت‌جمشید به برخی از باغ‌ها اشاره شده، از جمله باغی به نام «همه خوشبختی» در نزدیکی تخت‌جمشید مورد اشاره واقع شده است. در قسمتی از عرصه پاسارگاد که آثار چهار کاخ از آن باقی مانده، نشانه‌هایی از باغی با محوطه‌ای با طرح چهارباغ و کانال‌ها و جوی‌های آبیاری به دست آمده است که نشان می‌دهد کاخ‌های واقع در آن که طرح معماری آنها برون‌گراست، در یک باغ بزرگ قرار داشته‌اند. طرح معماری آرامگاه کوروش نیز به گونه‌ای است که می‌توان حدس زد در پیرامون آن باغی وجود داشته است.»<sup>۱</sup>

در سنگ‌نگاره‌های هخامنشی می‌توان نظم هندسی باغ ایرانی را به خوبی دید. پس از اضمحلال سلسله‌ی هخامنشی و با آغاز دوره‌ی هنر و



# آب و باغ ایرانی

○ مریم شاکری

باور ایرانیان بر آن است که آدمی در باغ عدن، حیات و هستی خود را بازیافته و خداوند بر همین اساس او را جهت باغبانی این باغ مامور نموده است. باغی که جوی‌های بزرگی چون پیشون (نیل)، جیحون، حیدقیل و پرات (فرات) در آن روان هستند. اما انسان با خطای خود از آن باغ بیرون رانده شد، باغی که در اسلام به آن بهشت گویند. زمانی که انسان از بهشت رانده شد، فرزندان او مصمم شدند که دوباره به باغ عدن بازگردند و قصد آن کردند تا باغی همچون بهشت بسازند، آن‌گونه که برای کیومرث و مشی و مشیانه ایجاد شد.

در فرهنگ عمید از پردیس به معنای باغ، بستان، فردوس و پردسه سخن به میان آمده است. پردیس بیانی است از همانندی باغ به بهشت. پردیس یا پارادایس را واژه‌ای ایرانی (مادی) گفته‌اند به معنای پیرامون و اطراف و به همین علت به باغ پیرامون خانه‌های مادی گفته می‌شد. البته از باغ‌سازی مادها و هخامنشیان نشان‌چندانی در دست نیست، اما آنچه از متون دینی و باستانی به دست می‌آید، اشاره به کیفیت و شکل و ساختار این باغ‌هاست.

طبق گفته‌ی مورخان یونانی پیرامون خانه‌های ایرانیان را باغ‌هایی فراگرفته بود که به آن پردیس می‌گفتند. در لغت‌نامه دهخدا نیز به این مطلب اشاره شده که پردیس از زبان مادی (پارادئزا) و از لغت فارسی پالیز فارسی امروز گرفته شده است. در اوستا نیز این واژه را می‌بینیم که از دو قسمت تشکیل شده به معنی پیرامون که در مفهوم انباشتی و دیوار کشیدن آمده است و بر روی هم به معنای گل و درخت‌کاری در اطراف ساختمان بوده است و واژه پارادیز به مفهوم بهشت و باغ نیز از همین واژه است.

در کتاب‌های مقدس از جمله تورات به پردیس باستانی خوزستان و یا بهشت‌های جاودانی اشاره شده است. در کتیبه‌ی اردشیر دوم پردیس به معنای باغ آمده و در اوستا دو بار از آن به پاری دیزه یاد شده است. در قرآن مجید نیز

دو بار با نام فردوس رو به رو می‌شویم.

از گزنفون آمده است که هنر باغ‌سازی پیش از هخامنشیان در آثار تخت‌جمشید و شوش دیده می‌شود. وی می‌نویسد که در شهرهای ایران باغ‌های پردرخت وجود دارند، باغ‌هایی که به آن پردیس گویند.

همچنین آمده است: «در برخی منابع از جمله در کتاب «از زبان داریوش» (ص ۳۱۱) اشاره شده است که واژه پریدایزه که از فارسی باستان به زبان یونانی و آلمانی راه یافت و آن را به صورت پارادایس به کار می‌بردند به معنی فضای محصور و باغ بود و واژه‌های پردیس و فردوس نیز از همین کلمه مشتق شده‌اند. آثار و نشانه‌ها و اسنادی در پاسارگاد و تخت‌جمشید به دست آمده است که حاکی از وجود باغ‌هایی در پیرامون مجموعه‌ها و شهرهای مهم



در باغ ایرانی، آب با فوران دائم به سمت پایین سرازیر شده و تمام اجزاء باغ را به هم می‌بافد. در باغ‌ها آب به شکل محور ستون فقرات در قریبه‌سازی به کار گرفته شده و انتظامی از تعادل و هماهنگی است. نمونه بارز این نظام در باغ فین و باغ شازده می‌باشد.

باغ ایرانی به درستی نمادی معنوی است. باغی با عناصر معماری، درخت و جلوه‌های گوناگون آب و گل. شکل‌گیری عناصری که با فرهنگ و سلیقه ایرانی رابطه‌ای نزدیک دارد. نمود باغ ایرانی به آب و درخت است. ایرانی با دیدن آب و شنیدن صدای دلنشین و آهنگین آن. بهشت را تداعی می‌کند. هدف او از ساختن باغ رسیدن به همنشینی با طبیعت بوده است و در این حرکت طبیعت با خواسته‌ی انسان و فرهنگ او به گونه‌های مختلف به نظم کشیده می‌شود.

آب یکی از عناصر تشکیل‌دهنده باغ ایرانی و شکل‌دهنده‌ی شخصیت

پیرامون است. باغ ایرانی همواره حیات خود را از یک کاریز (قنات) و یا چشمه‌ای می‌گرفته است که آب همواره در باغ جریان داشته است. گاه مسیر رساندن آب به باغ بسی طولانی‌تر از درازای باغ بوده است. همچون کاریزی که از مادر چاه آب را به باغ می‌رسانده و مازاد آن نیز از باغ خارج می‌شده که از جمله می‌توان باغ قدمگاه نیشابور و فین کاشان را مورد اشاره قرار داد.

جهت درک درست از معماری سنتی منطقه کویری دستیابی به منابع آب بسیار مهم بوده است. نعمت آب و وجود درخت و گیاه در مناطق کویری همواره نمادی بوده است از بهشت که جوی‌های آب آن در چهار سو روان بوده‌اند. و همین امر باعث شده که در معماری ایران، این بهشت تمثیلی از مکان و جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و به شکلی مرکزی تمامی فضاها را بهره‌مند کند. در این فرهنگ پیدایش باغ‌ها اهمیتی ویژه داشته و هرگاه بنایی نیز مطرح بوده حضور همه‌جانبه‌ی آب و طبیعت در آنها امری اساسی تلقی می‌شده است. در اکثر مناطق کویری در گذشته آب آنچنان اهمیتی داشته که صاحب چاه آب، از قدرت و حکومت منطقه‌ای نیز برخوردار بوده است. حرکت کاروان‌ها نیز ضابطه‌ی فاصله و حرکت و استقرار کاروان براساس دوری و نزدیکی چاه‌های طبیعی یا قنات‌ها به شمار می‌آمده است.

در سفرنامه فیگوریو سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول در سال ۱۶۱۷ میلادی هنگامی که از بندر گامبرون - بندرعباس - به طرف شیراز می‌رفته است، پس از عبور از زمین‌های خشک لارستان در دشت بنا رو به به نخلستانی برمی‌خورد که گذران روز در زیر سایه‌ی درختان آن بنا به نوشته‌اش، شهید خوشی را بر کام او و همراهانش فرومی‌ریزد، رنگ خوشه‌های بزرگ خرما چنان درخشان می‌شود که با رنگ بهترین طلاهای جهان برابری می‌کند. هرچند گرما هنوز در دشت بیداد می‌کرد، نخل‌ها سایه‌ی زیبا و دلپذیر خود را بر آنها افکند. او خیلی زود پی برد که یک جوی آب که از سینه‌ی کوه جویم می‌آمد این چنین گونه‌گونی را در آن سرزمین هستی بخشیده است.<sup>۱۱</sup>

حرکت آب در مسیر جوی‌ها نمایشی است از حضور آب در باغ ایرانی. در باغ ایرانی ریزش آب از آبشار دیدنی است، چنان‌چه در باغ قدمگاه نیشابور آب در جلوی ایوان ورودی آبشار زیبایی را پدید آورده است.

زمانی که آب جوی‌ها از سطح بالاتر به سطح پایین‌تر می‌ریزد طبیعی است که آبشار به‌وجود می‌آید. ولی چون میزان آب بسیار کم است، ریزش آبشارگونه آب جالب توجه نخواهد بود. برای حل این مسئله به جای ریزش فرودی آب آن را در سطح شیب‌داری به جریان می‌اندازند، منتها به جای سطح صاف جوی‌ها که با سنگ ساخته شده است، در این شیب‌ها تراش‌هایی در سنگ می‌دهند که به سینه کیبوتری معروف است. آب بسیار کم با جریان یافتن در این سطوح بسیار پرچم به نظر می‌آید و به علاوه صدای زیادی نیز ایجاد می‌کند. این راه‌حل و این طرح یکی از ویژگی‌های مهم و بارز و جالب باغ‌های ایرانی است که در بسیاری از باغ‌های ایرانی وجود دارد. مانند باغ چهل‌ستون در شهر اشرف (بهشهر) - باغ قدمگاه نیشابور، باغ تاج‌آباد در اصفهان و باغ دولت‌آباد یزد.<sup>۱۲</sup>

باغ دولت‌آباد یزد که گنجینه‌ی بسیار با ارزش فرهنگی و تاریخی است، از مجموعه‌های مشهور دوره زندیه است که به فرمان محمدتقی‌خان، از خان‌های صاحب قدرت اواخر دوره افشاریه و اوایل دوره کریم‌خان زند ساخته شد. ساخت این عمارت در طی سال‌های ۱۱۵۰ تا ۱۱۶۰ انجام و سنگ مرمری که در کف و ازاره‌ی آن استفاده شده از مراغه آورده شده است. پیدایش این مجموعه پس از احداث و احیای قنات‌هایی است که با همین نام (دولت‌آباد) شکل گرفته و پس از رونق یافتن باغ‌های اطراف در آن چند عمارت ساخته شده است.

آمده است که: قنات دولت‌آباد یزد احدائی محمدتقی خان یزدی، خود از عجایب فن «که کینی»<sup>۱۳</sup> است که پانصد درب باغ و دو هزار جریب زمین را آبیاری می‌کرد و ۹ فرسنگ (۵۴ کیلومتر) رایین داشت.<sup>۱۴</sup>

آرتور اپهام پوپ نیز در کتاب خود نگاهی به هنر ایران از عمارت دولت‌آباد یاد می‌کند.

یکی دیگر از عناصر شکل‌دهنده به زیبایی باغ که آرایشگر باغ ایرانی را به خلق آن واداشته است حوض و استخر است. دونالد ویلبر در کتاب خود «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن» به نماهای استخر اشاره می‌کند و معتقد است اشکال عمدتاً راست‌گوشه و دایره ترسیم می‌شوند. وی به حوض‌های پاشویه‌دار دوره صفوی اشاره می‌کند از جمله حوض‌های دوازده‌گوشه، هشت و نه و شانزده گوشه و از جمله حوضی هشت ضلعی که هر ضلع آن خود از سه گوش تشکیل شده است. همچنین می‌توان به حوض‌هایی که در مقابل ساختمان باغ ایجاد می‌شد تا انعکاسی از نمای ساختمان باشد اشاره کرد از جمله استخر مقابل چهل ستون اصفهان.

در سفرنامه فیگوریو، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول دیدگاهش را از باغ تخت شیراز چنین می‌نویسد:

«استخر از سه طرف به اندازه چهار پنج پله از زمین حرمسرا بلندتر و پهلوی چهارم آن هم سطح باغ است. از طریق جویی به عرض سه و عمق نیم پا آب فراوان بسیار زلال از باغ به استخر وارد می‌شود. این جویبار همواره تا



نشستی که با ادوارد براون دارد می‌نویسد: براون از سمت تخت‌جمشید به شیراز وارد شده بود و چندان جای تعجب نیست که چنین منظره بدیعی آنقدر در وی اثر کرده باشد که چنین حال جذبه و شوکی به او دست داده باشد... هنگامی که مسافر پس از طی بیابان لم یزرع و بایر چشمش به این جلگه مصفا و حاصلخیز شیراز می‌افتد با همین منظره رو به رو می‌شود ولی لرد کرزن پس از بازدید دقیقی که به عمل آورد چندان تعریفی از باغ‌های شیراز نمی‌کند... البته از لرد کرزن که شاید فکرش بیش از حد با سبک‌های ظریف باغداری انگلستان و تپه‌های شکل‌دار و چمن آشنا بوده، این بیانات غرض‌آلوده است و از وی نمی‌بایست انتظار داشت که در ایران هم باغ‌هایی نظیر انگلستان ببیند... تاورنیه هم باوجودی که باغ‌های شیراز کاملاً نظر او را جلب کرده بود ولی بالاخره چنین قضاوت می‌کند که باغ‌ها نمی‌توانند با منازل دلنشین بیلاقی

اطراف پاریس رقابت کنند... باغ‌های شیراز به هیچ‌وجه به باغ‌های زمان ویکتوریا در انگلستان که لردکرزن در نظر داشت و یا باغ‌های فرانسوی اطراف پاریس و یا باغ‌های لنوتر شباهتی نداشت.<sup>۸</sup>

شاید کم‌آبی سرزمین ایران، یکی از عللی بوده است که گرایش ایرانی را به تماشای آب و حرکت آن در باغ بیشتر کرده است و این تمایل باعث شده که در طی زمان طراحان باغ ایرانی با ابداعات و ابتکارهایی آب را هرچه بیشتر در باغ نگه داشته و با گردش آن در باغ، به تماشایش بگذارند. آب‌نماها، جویبارها، فواره‌ها، آبشارها و آبرگردان‌ها همواره عناصری بوده‌اند جهت زیبایی بخشیدن به باغ و ایجاد صداها و اصواتی خوشایند.

آب‌نماها آینه محیط اطراف هستند، جایی که واقعی و غیرواقعی درهم می‌آمیزد و تمثیلی است از مرز امکانات و توانایی‌های انسان زیرا هم دست‌ساز انسان است و هم انسان نمی‌تواند شامل آن باشد. آب‌نما جایی است که معماری در آن به آینه تبدیل می‌شود، قالبی می‌شود که دنیای اطراف ما را در خود جای داده است. او ما را به خود نشان می‌دهد. آب‌نما در باغ سطح وسیع تصویرگری است که مثل یک بوم سفید نقاشی یعنی در زمینه‌ای خنثی چیزی را به تصویر می‌کشد که به تصویر در نمی‌آید.<sup>۹</sup>

پیدا کرد. نقوش مرتبط با آب، گل و گیاه در آثار نخستین کشف شده، به ویژه در ظروف سفالی قرون کهن نشان‌دهنده حضور مستمر آنها در زندگی انسان است. حضور این عناصر در تشکیل باغ، که خود همچون عنصر سازنده‌ی شهر است، اهمیت باغ را در ساختار شهرهای کهن نشان می‌دهد.

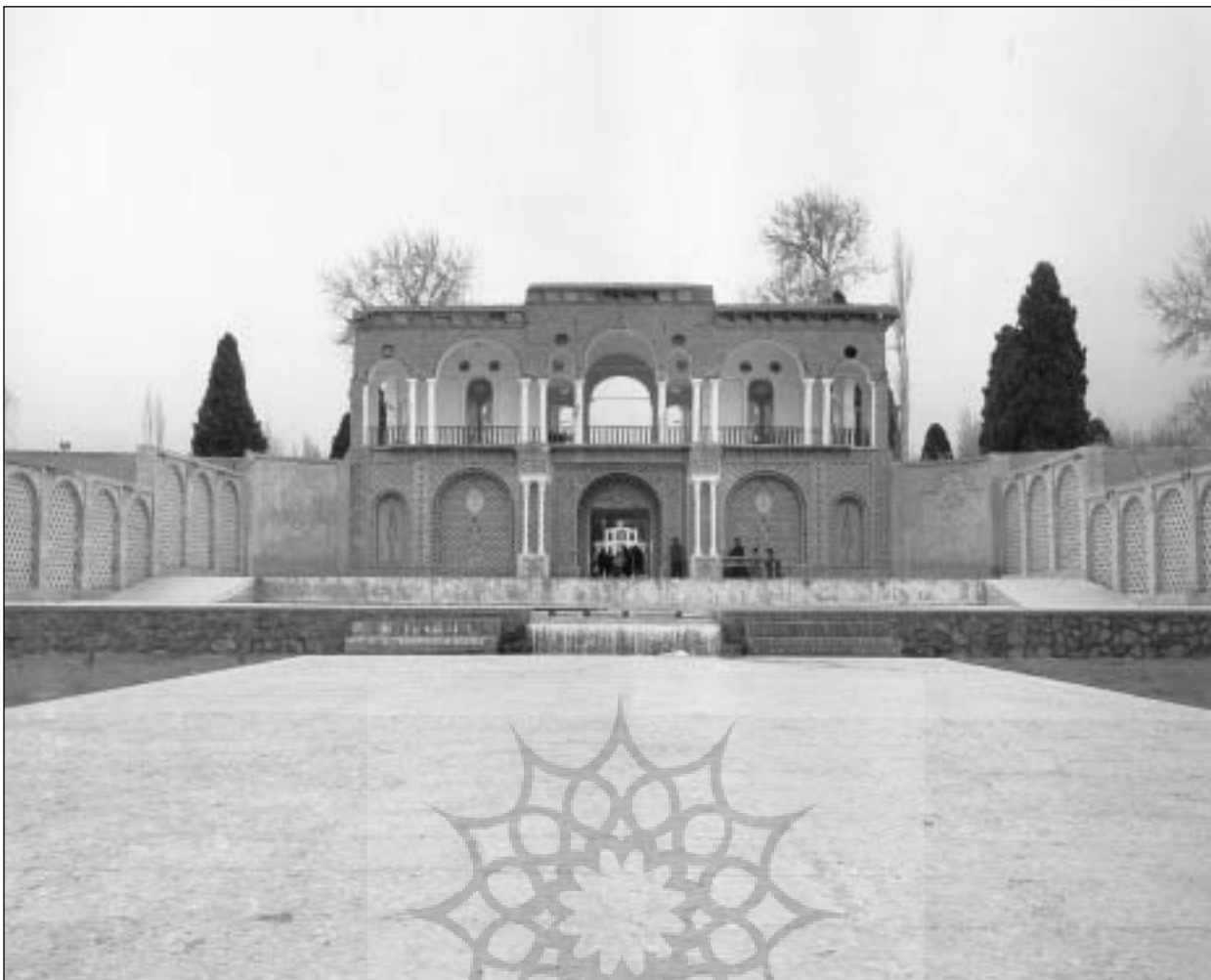
«باغ یا شهرشداد پسر عاد و موسوم به ارم که به نقل از بهجة‌العالم بین صنعا و حضرموت در اقلیم اول قرار داشت و مساحت آن (باغ ارم) دوازده فرسنگ در دوازده فرسنگ و ارتفاع دیوارش سیصد ذرع بوده نمایشگر مقام باغ به مثابه عنصر متشکله‌ی شهر می‌باشد. نقش برجسته متعلق به کاخ آشور بانیپال پادشاه آشور در فاصله سال‌های ۶۶۹-۶۳۰ قبل از میلاد که در نینوا کشف شده و در موزه بریتانیاست و باغ‌های معلق بابل، اهمیت باغ را در ساختار شهرهای کهن می‌رساند. پردیس اخیراً کشف شده در پاسارگاد که احتمالاً اولین طرح اجرا شده از «باغ اندر باغ» عظیم شهر - پایتخت ناتمام کورش بوده و همچنین پردیس کورش جوان در شهر ساتراپ‌نشین غرب ایران که گزنفون نقل می‌کند، از نمونه‌هایی است که به رابطه ساختار باغ و شهر در شهرهای طراحی شده هخامنشی اشاره می‌کند. بی‌جهت نبوده که یونانیان، هخامنشیان را بزرگترین باغ‌سازان جهان می‌دانستند.<sup>۲</sup>

اما باغ ایرانی را چگونه باید وصف کرد. باغ ایرانی عبارت است از:

ترکیب ساده و موزون، رابطه صحیح و استوار، نظام هندسی مشخص، خطوط عمود بر هم، تخت‌کرت‌های چهارگوش، شبکه مترنم جهت‌دار آب که در فضاهای باز و پوشیده وسعت یافته و به چهره آسمان لیخند شادمانه می‌زنند. در باغبندی ایرانی سعی بر استفاده از خطوط مستقیم و سطوح مستوی است. همچنان که در شهرسازی باستان و معماری، هر کرتی به یک نوع درخت اختصاص می‌یابد. در صورت متنوع بودن استثنایی، تابع نظم هندسی و ویژگی‌های زراعی درخت‌هاست. درخت‌ها بر مبنای آسه‌بندی و فواصل منظم، با تقدیر<sup>۳</sup> و ترکیبی کاشته می‌شوند. پستی و بلندی، و تپه ماهور در باغ ایرانی وجود ندارد. در زمین‌های ذوعارضه<sup>۴</sup> و شیبدار، با کله‌بندی<sup>۵</sup> یا سینه‌مال، دستیابی به افکن<sup>۶</sup> و افراز باغچه‌ها و تخت‌کرت‌ها میسر می‌شود. در این نوع باغ‌ها، جوی‌های آب روان و آبشیره‌های غلطان، مسیر دو سوی میانکرت را صفا می‌بخشد. ابعاد متعادل جماد، نبات، آب و رعایت مقیاس انسانی یکی از ویژگی‌های برتر باغ ایرانی است. باغ ایرانی مجموعه‌ای است هماهنگ و زیبا، از آمیختگی خردمندانه فرحبخش و چشم‌نوازی از آب، گیاه، مسیر، سایه روشن، رنگه فضا و معماری، برپایه هندسه‌ای متین و آرام. ترکیب بصری چنین جمال و کمالی به حق بر بیشتر هنرهای تصویری و تجسمی ایران نقش بسته است. بر این نشان، قالبی و قالبیچه‌های بسیاری به عنوان گواهان صادق و حاضر داریم. فرش نگارستان هم شایان عنایت است.<sup>۸</sup>

سعدی باغ را همچون فرشی می‌داند که بادها، شبانه آن را در سایه‌سار درختان می‌گسترند و نگارگران آن را همانند باغی می‌دانند که نه زمستان و نه تابستان نمی‌توانند در شکوه و زیبایی آن خللی وارد کنند. فرش‌های باغی سلف مشهوری چون «بهار خسرو» داشتند که به فرمان خسرو انوشیروان، جهت فرش کردن تالار بار عام تیسفون بافته شد و نویسندگان عرب نیز در ستایش آن بسیار قلم زده‌اند. فرشی که در زمینه‌ی آن باغی است با نهرها و جوی‌ها، گل‌ها و درختان. تارهای زرین، خاک و رشته‌های کریستال آب نهرها را به نمایش می‌گذاشتند، اما امروزه از آن اثری دیده نمی‌شود. در اوایل قرن شانزدهم است که بافندگان ایرانی و نگارگران توانستند فرش‌هایی شبیه به فرش بهارخسرو به وجود آورند. فرش‌هایی که در آن درختان به گل نشسته و سروهایی انبوه که در پای آنها چشمه‌ای می‌جوشد به تصویر درآمده‌اند. اوصافی که از فرش افسانه‌ای کاخ تیسفون ارائه می‌شود، به طور وضوح با آدمی در مورد درختان و گل‌ها، جویبارها و گلزارها سخن می‌گویند.

ادوارد براون نیز وقتی به شیراز می‌رسد با دیدن آن همه باغ شیفته می‌شود چنان که ویکتور باسکوئیل وست در گزارشی از باغ‌های ایران و در



- ۳ - باغ به مثابه پیش‌آیند شهر. محمدامین میرفندرسکی. تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد پنجم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۱۲۸
- ۴ - اندازه‌گیری و رعایت مقیاس.
- ۵ - زمین غیرمسطح و دارای عوارض طبیعی.
- ۶ - چیدن دیوارهای حایل در زمین‌های شیب‌دار به منظور دستیابی به سطوح مستوی به کمک خاکریزی و خاکبرداری.
- ۷ - سطوح مستوی حاصل از کله‌بندی.
- ۸ - هنجار باغ ایرانی در آیین تاریخ. لطیف ابوالقاسمی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم. سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۲۸۸-۲۸۶.
- ۹ - چاره‌ی آب در تاریخ فارس، جلد دوم. ص ۲۰۰
- ۱۰ - آب و معماری. هدی علم‌الهدی. دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد نخست، ص ۳۰۶.
- ۱۱ - جواهری، پرهام و محسن. چاره‌ی آب در تاریخ فارس، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، گنجینه ملی آب ایران، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۱۰۴.
- ۱۲ - باغ ایرانی. یعقوب دانشی‌دوست، مجله اثر. سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۱۸ و ۱۹. ۱۳۶۹، ص ۲۱۶.
- ۱۳ - که‌کینی (که‌کنی)، کوه‌کندن.
- ۱۴ - ۸ حماسه کویر. محمدابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۲۳۶.
- ۱۵ - چاره‌ی آب در تاریخ فارس، جلد دوم. ص ۲۰۸
- ۱۶ - ویلز، دکتر. ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قره‌گولوز، چاپ اقبال، ۱۳۶۸.

حدود گذرگاه آجری اطراف استخر، لبالب از آب است. آب پس از عبور از استخر از طریق جوی دیگری که مقابل جوی نخستین واقع شده است از شکافی در سنگ مرمر کنار استخر که به شکل صدف ایجاد کرده‌اند خارج می‌شود و بار دیگر به باغ می‌ریزد. آب استخر هنگام خروج از شکاف صدفی شکل، اشکال و مناظری چنان زیبا به خود می‌گیرد که گویی از ظرفی که از گرانبهاترین بلور ساخته شده باشد خارج می‌شود.<sup>۱۵</sup>

تاورنیه نیز در سفرنامه‌اش در رابطه با استخر باغ شاه شیراز آورده است که در سمت چپ عمارت دریاچه‌ی بزرگی است که از سنگ محشی شده است و تمام زیبایی آن نیز منوط به همین دریاچه است. ویلز نیز در کتاب «ایران در یک قرن پیش»<sup>۱۶</sup> در مورد باغ‌تخت شیراز می‌نویسد که ساختمان باشکوه و زیبا درست در کنار استخر بزرگ و دریاچه مانند باغ قرار دارد و انعکاس ساختمان در میان آب صاف این دریاچه زیبایی آن را صدچندان کرده است. وی ارتفاع فواره‌ها را آنچنان می‌داند که وزیدن هر نسیم دانه‌های آب پخش شده در بالای استخر را به میان ایوان می‌کشد و خنکی مطبوعش نسیم معطر از گل‌ها را خنک و مطبوع‌تر می‌سازد.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل، حسین سلطان‌زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۲۲.
- ۲ - پرهام جواهری، محسن جواهری. چاره‌ی آب در تاریخ فارس (جلد دوم)، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، مؤسسه گنجینه ملی ایران، ۱۳۸۰.